

میرداماد سوار بر اسب در جاده جلو می رفت . شاه عباس و همراهانش کمی جلوتر بودند .
شیخ بهائی سوار بر اسب چابکی جلوتر از همه پیش می رفت .

اسب شیخ جست و خیز می کرد و سوارش محکم به زین چسبیده بود تا زمین نخورد .
میرداماد سرعت اسبش را زیادتر کرد اما اسب نمی توانست اندام سنگین او را جلو ببرد .
شاه عباس می دانست میان دانشمندان هم مثل سیاستمداران ، حسادت وجود دارد . شاه به
میرداماد نزدیک شد و با لبخند به شیخ اشاره کرد و گفت : " جناب میر ، می بینید که این شیخ
پاییند ادب نیست و بی توجه به حضور اینهمه آدم های بزرگوار از جمله جنابعالی جلوتر از همه
می رود . "

میرداماد مقصود مودیان شاه را فهمید و پاسخ داد : " اینطور نیست ، شیخ انسان دانشمند و
بزرگی است و اسب او از اینکه چنین شخصی بر پشتش سوار شده از خوشحالی جست و خیز
می کند و شیخ را جلوتر از همه می برد . "

شاه اسبش را تاخت و به شیخ بهائی رسید . شیخ گفت : " این اسب خیلی سرکش است و
تا به مقصد برسیم مرا بیچاره می کند . "

شاه مودیان گفت : " علتش این است که شما لاغر هستید و به اندازه کافی بر پشت اسب
فشار نمی آید ، درست بر عکس میرداماد که با جثه سنگینش ، اسب را خسته می کند .
شاه ادامه داد : " تا جایی که من دیده ام ، متفکران در غذا خوردن قناعت می کنند و به
همین علت لاغر هستند ، مثل جنابعالی ، ولی میرداماد ، آن قدر در خوردن حریص است که
چنین جثه ای دارد . "

شیخ آهی کشید و گفت : " این طور نیست ، میر فقط در اندوختن دانش حرص می زند و
بزرگی جثه او مادرزادی است و ربطی به پرخوری ندارد . و اسب او به علت حمل وجودی
گرانقدر که کوهها هم تحمل سنگینی دانش او را ندارند خسته شده است . "
شاه عباس که متوجه اعتماد متقابل دو دانشمند شد به فکر فرو رفت .

زندگینامه میرداماد

پدرش شمس الدین محمد با دختر محقق کرکی علی بن عبدالمعالی ازدواج کرد و به
همین علت به داماد معروف شد و پس از آن این لقب در خانواده او موروثی شد و پسرش هم
میردانا نامیده شد .

اسمش میر محمد باقر استرآبادی و دانشمند بزرگ دوران صفویه است . در اصفهان زندگی
می کرد و مورد احترام شاه عباس اول بود . از شاگردان او باید ملاصدرا نام برد .
دو کتاب (صراط المستقیم) و (کشف الحقایق) در حکمت و به عربی است و فهم آن
بسیار سخت است .

در سال ۱۰۴۱ ه. ق در سفر به نجف در گذشت و همان شهر به خاک سپرده شد .
امروزه یکی از خیابانهای تهران به نام این دانشمند بزرگ نامگذاری شده است .

زندگینامه شیخ بهائی

محمد بن حسین عاملی در سال ۹۵۳ ه. ق در شام متولد شد و در کودکی به ایران آمد .
در ریاضی و نجوم به استادی رسید و به شیخ بهائی مشهور شد .
دو مثنوی به نام (شیرو شکر) و (نان و حلوا) دارد . کتاب (کشکول) شامل حکایت و
مثال های گوناگون است .

کتابهای او (جامع عباسی) و دو کتاب (خلاصه الحساب) و (تشریح افلاک) به عربی
است . او ۸۸ رساله و کتاب از خود باقی گذاشت .
در سال ۱۰۳۱ در سن ۸۷ سالگی در گذشت .
یکی از خیابان های تهران به نام این دانشمند نام گذاری شده است .